



## «حلقات»

# درس ۱۲۳

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای حقگو

بیان گردید که تواتر از جمله راه های وجدانی در اثبات دلیل شرعی است؛ یعنی بر اساس حساب احتمالات، اخبار متواتر، مفید یقین هستند. در قبال نظریه شهید صدر، مشهور منطقیین بر آنند که یقین قضایای متواتر، برگرفته از یک قیاس منطقی و در نتیجه از سنخ یقین مستنتج استنباطی است. هم چنین معتقدند که درمسائل تجربی نیز با استفاده از قیاس منطقی به یقین می رسیم. در این درس تلاش شده است تا نظریه مشهور تبیین گردد و شرح مختار مصنف را به درس بعد موکول می کنیم.

جهت فهم دقیق مطالب درس، مرور مباحث منطقی در زمینه ی «انواع ضروریات» و «قیاس منطقی» پیشنهاد می شود.

متن عربى:

و بموجب هذا التعريف يمكن أن نستخلص أن المنطق يفترض أن القضية المتواترة مستنتجة من مجموع مقدمتين:

إحداهما بمثابة الصغرى، وهى تواجد عدد كبير من المُخبرين .

والأخرى بمثابة الكبرى، وهى أن كل عدد من هذا القبيل يمتنع تواطؤهم على الكذب.

وهذه الكبرى يفترض المنطق أنها عقلية ومن القضايا الأولية فى العقل، ومن هنا عد المتواترات فى القضايا الضرورية

الست التى تنتهى إليها كل قضايا البرهان .

وهذا التفسير المنطقى للقضية المتواترة يشابه تماماً تفسير المنطق نفسه للقضية التجريبية التى هى إحدى تلك القضايا

الست، فإنه يرى أن علية الحادثة الأولى للحادثة الثانية (التي ثبتت بالتجربة عن طريق اقتران الثانية بالأولى فى عدد

كبير من المرات) مستنتجة من مجموع مقدمتين:

إحداهما بمثابة الصغرى، وهى اقتران الحادثة الثانية بالأولى فى عدد كبير من المرات.

والأخرى بمثابة الكبرى، وهى أن الاتفاق لا يكون دائماً، بمعنى أنه يمتنع أن يكون هذا الاقتران فى كل هذه المرات

صدفة؛ لأن الصدفة لا تكرر لهذه الدرجة، وهذه الكبرى يعتبرها المنطق قضية عقلية أولية، ولا يمكن فى رأيه أن تكون

ثابتة بالتجربة؛ لأنها تشكل الكبرى لإثبات كل قضية تجريبية، فكيف يعقل أن تكون هى بنفسها قضية تجريبية؟

وإذا دققنا النظر وجدنا أن الكبرى التى تعتمد عليها القضية المتواترة مردّها إلى نفس الكبرى التى تعتمد عليها القضية

التجريبية، لأن كذب المخبر يعزى افتراض مصلحة شخصية معينة دعتة إلى إخفاء الواقع، وكذب العدد الكبير من

المخبرين معناه افتراض أن مصلحة المخبر الأول فى إخفاء اقترنت صدفة بمصلحة المخبر الثانى فى إخفاء،

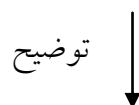
والمصلحتان معاً اقترنتا صدفة بمصلحة المخبر الثالث فى الشىء نفسه، وهكذا، على الرغم من اختلاف ظروفهم

وأحوالهم، فهذا يعزى أيضاً تكرر الصدفة مرات كثيرة.

وعلى هذا الأساس أرجع المنطق الاستدلال على القضية التجريبية والقضية المتواترة إلى القياس المكوّن من المقدمتين المشار اليهما، واعتقد بأن القضية المستدلّة ليست بأكبر من مقدماتها.

## تبیین دیدگاه مشهور درباره ی یقین حاصل از تواتر

مشهور منطقیون معتقدند یقین حاصل از تواتر، از نوع «یقین موضوعی مستنتج استنباطی» است.



یقینی که در تواتر به آن می‌رسیم: از یک قیاس منطقی به دست آمده است؛ به این بیان که:

صغری: عده ی زیادی خبر داده اند؛

کبری: هرگاه عده ی زیادی خبری بیاورند اجتماع آنها بر کذب ممتنع است؛

پس: حداقل یک نفر از مخبرین راست گفته است (وهمین برای ما کافی است).

نکته: کبرای قیاس مزبور؛ یک حکم عقلی و از نوع «ضروریات سته» محسوب می‌شود.

SCO۱: ۹:۱۷

## قضایای تجربی از نظر منطقیین

منطق کلاسیک، راجع به قضایای تجربی، همان قضاوتی را دارد که راجع به قضایای متواتره دارد؛ به این شکل که قطع حاصل از تجربیات هم یک قطع موضوعی مستنتج استنباطی است. قیاسی که برای قضایای تجربی بیان می‌شود از این قرار است:

صغری: این دو حادثه در دفعات بسیاری متقارن با هم به وجود آمده اند؛

کبری: به وجود آمدن دو حادثه، متقارن با هم و در دفعات بسیار، به صورت تصادفی (وبدون رابطه علیت) ممکن نیست.

نکته: پشتوانه قضایای تجربی، یک قضیه ی عقلی اولی است و نمی‌تواند یک قضیه ی تجربی،

پشتوانه اش باشد؛ چرا که «اثبات الشیء بنفسه» ممکن نیست.

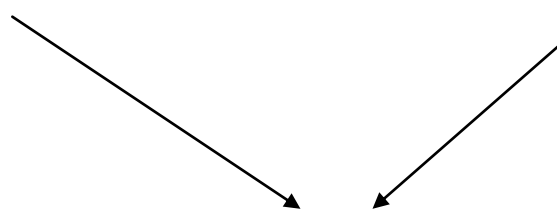
SCO۲: ۲۱:۳۳

## پشتوانه مشترک قضایای متواتر و قضایای تجربی

بیان شد که از نگاه منطق، قضایای متواتر و قضایای تجربی، هر دو متکی بر قضایای اولی عقلی هستند. هر دو کبرایی که پشتوانه قضایای متواتر و تجربی هستند، علی رغم تفاوت ظاهری، به یک استدلال ختم می شوند که عبارت است از: «الصدفة لا تتكرر»؛ یعنی تصادف، اگر چه رخ می دهد اما دائمی نیست.

### توضیح:

در کبرای قضایای تجربی نیز بیان گردید که مقارنت دو حادثه در دفعات متعدد، ممکن نیست به صورت تصادفی وبدون رابطه علیت باشد. پشتوانه ی این کبری نیز ه مین قضیه است که می گوید:	در کبرای قضایای متواتر بیان شد که: ممتنع است این تعداد از مخبرین دروغ گفته باشند. اگر فرض کنیم از مجموع صد نفری که خبر خاصی را گزارش کرده اند همه آنها بر اساس مصالح و اغراض شخصی ، به دروغ خبر داده اند در این صورت باید قبول کنیم که «تصادفاً» همه این افراد ، مصالح مشترکی داشته اند که با این اخبار کذب به آن هدف رسیده اند؛ لکن عادتاً این فرض ممتنع است؛ چون:
---	--



SCO۱: ۳۳:۴۲

الصدفة لا تتكرر

- ۱- مشهور منطقیین معتقدند یقین حاصل از قضایای متواتر و قضایای تجربی، از نوع «یقین موضوعی مستنتج استنباطی» است.
- ۲- کبرای قیاس در قضایای متواتر و تجربی، یک حکم عقلی و از نوع ضروریات سته است.
- ۳- در قضایای متواتر بیان می شود که ممتنع است تعداد زیادی از مخبرین تواطؤ بر کذب کرده باشند؛ زیرا عادتاً ممکن نیست که این تعداد از مخبری ن، به صورت تصادفی، اغراض مشترکی در این اخبار کذب داشته باشند.
- ۴- در قضایای تجربی نیز گفته می شود که مقارنت دو حادثه در دفعات متعدد، به صورت تصادفی ممکن نیست.
- ۵- هر دو کبرایی که پشتوانه قضایای متواتر و تجربی هستند، علی رغم تفاوت ظاهری، ب ه یک استدلال ختم می شوند که عبارت است از: الصدفة لا تتكرر.